

جنبش معاصر زنان در مصر
تلاش برای استیفای حقوق اجتماعی
(۱۹۰۰ - ۱۹۷۰ م)

نویسنده:
دکتر یاسمن یاری



نگارستان اندیشه
تهران، ۱۳۹۵

سرشناسه: یاری، یاسمن، ۱۳۵۷ -

عنوان و نام پدیدآور: جنبش معاصر زنان در مصر: تلاش برای استیفای حقوق اجتماعی (۱۹۰۰-۱۹۷۰م) / نویسنده یاسمن یاری.

مشخصات نشر: تهران: نگارستان اندیشه، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۱۹۷ ص.

شابک: 978-600-95898-8-3

وضعیت فهرست نویسی: فیفا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۷۷] - ۱۸۲؛ همچنین به صورت زیرنویس، نمایه.

موضوع: زنان -- مصر -- وضع اجتماعی -- قرن ۲۰م. Women -- Egypt -- Social conditions -- 20st century

موضوع: زنان -- مصر -- وضع اجتماعی -- تاریخ Women -- Egypt -- Social

History -- conditions -- زنان -- مصر -- فعالیت‌های سیاسی -- حقوق زن

رده بندی کتره: ۹۱۱ ج ۲/ HQ۱۷۹۳ رده بندی دیویی: ۳۰۵/۴۲۰۶۶۲۰۹۰۵۱

شماره کتابشناختی ملی: ۴۲۱۸۰۳۰

جنبش معاصر زنان در مصر تلاش برای استیفای حقوق اجتماعی (۱۹۰۰ - ۱۹۷۰م)

نویسنده: یاسمن یاری

ناشر: نگارستان اندیشه

چاپ و صحافی: نسیم

طراح جلد: سعید صحابی

حروفچینی و صفحه‌آرایی: مرتضی انصاف‌منش

نوبت چاپ: نخست، ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان

همه حقوق اثر برای مؤلف محفوظ است

نشانی ناشر: م. انقلاب اسلامی، ابتدای خ آزادی، خ استاد بهزاد، پلاک ۲۹، واحد ۷

تلفن: ۶۶۴۳۵۴۲۳ - نمابر: ۶۶۹۴۳۵۴۲

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۹	مقدمه
۲۵	فصل ۱. اندیشه، اصل و رکن تحول در حوزه جنبش زنان
۲۵	۱-۱. آموزش، مکتب تحول و تطور
۳۱	۲-۱. آموزش، نوید تحول و پیشرفت برای زنان
۴۱	فصل ۲. تولید گفتمان در دوره حتر اجتماعی زن
۴۱	۱-۲. محمد امین، پدر جنبش زنان در عصر و جهان عرب
۴۸	۱-۲-۱. الگو گرفتن از غرب، اصلی ترین ایده در محمد امین
۴۹	۲-۲-۱. مسأله‌ی زن و اوضاع سیاسی
۵۱	۲-۲-۲. نخستین دفاع از حقوق زنان با گفتمانی زنان
۵۱	۱-۲-۲. حفنی ناصف
۵۶	۲-۲-۲. نقش آموزش در نگاه حفنی ناصف
۵۹	۳-۲-۲. ایستار ملک حفنی ناصف پیرامون مسأله‌ی حجاب
۶۴	۴-۲-۲. بررسی کنش‌های اجتماعی - سیاسی نبویه موسی
۶۷	۵-۲-۲. ایستارهای فکری نبویه موسی
۷۳	۶-۲-۲. گفتمان در حوزه حقوق اجتماعی زن، در متون سیاسی
۷۶	۷-۲-۲. نشریات عرصه تولید گفتمان در حوزه‌ی حقوق اجتماعی زنان
۷۹	فصل ۳. کنش سیاسی و اجتماعی زنان در حوزه دفاع از حقوق زن
۷۹	۱-۳. انقلاب ۱۹۱۹م نخستین ظهور پررنگ توده مردم در صحنه سیاست
۸۹	۱-۳-۱. سازمان‌های زنان، گامی برای مشارکت اجتماعی و سیاسی

۹۶	۲-۳. مبارزات زنان برای کسب حقوق سیاسی
۹۸	۱-۲-۳. آرا و افکارا دریه شفیق
۱۰۲	۲-۲-۳. جنبش زنان و چپ‌گرایی
۱۰۵	۳-۲-۳. سوسیالیسم در عرصه‌ی سیاست مصر
۱۲۱	۳-۳. جنبش زنان در دوره حکومت عبدالناصر
۱۲۱	۱-۳-۳. بررسی کنش و آرای انجی حسن افلاطون
۱۳۴	۲-۳-۳. بررسی آرای لطیفه الزیات در کتاب الباب المفتوح
۱۳۹	۳-۳. آلام‌گرایی و جنبش زنان
۱۴۵	۲-۳-۳. جامعه زنان مسلمان "MWS"
۱۴۸	۵-۳-۳. تجزیه و وضعیت زنان در این دوران
۱۵۲	۴-۳. مقایسه تحلیلی گفتمان‌های تولید شده در حوزه‌ی حقوق زنان
۱۵۲	۱-۴-۳. گفتمان در حوزه حقوق اجتماعی زنان و مذهب اسلام
۱۶۲	۲-۴-۳. آموزش
۱۶۵	۳-۴-۳. استقلال اقتصادی
۱۶۹	۴-۴-۳. حقوق سیاسی زن
۱۷۳	نتیجه
۱۷۷	منابع و مآخذ
۱۸۳	تصاویر
۱۹۳	نمایه

پیشگفتار

پژوهش پیش و در حوزه‌ی تاریخ زنان انجام شده است. تاریخ معاصر در کشورهای اسلامی، به واسطه‌ی تطور و پیشرفت‌هایش، برای اولین بار این فرصت را فراهم آورده است، تا اوضاع زنان نیز مورد واکاوی قرار بگیرد. این امکان ایجاد شده، تا زنان نیز به عنوان نیمی از جامعه‌ی خویش، در تاریخ دیده شوند. گرچه این فرصت نوپا است، اما مجال نسبتاً مناسبی برای پژوهش و تحقیق فراهم آورده است. امری که تنها در حوزه‌ی تاریخ دارای ارزش نیست، بلکه بُعد اجتماعی مهمی نیز دارد. زنان چون با توانمندی‌های خویش بیشتر آشنا شوند، با اعتماد به نفس بیشتر، ظهوری کارآمدتر در جامعه‌ی خویش، خواهند داشت. زنان ایرانی به واسطه‌ی سباه‌های زیادی که با هم‌تایان خود در کشورهای مسلمان دیگر، به ویژه مصر، دارند؛ این احساس را با آغوشی باز می‌پذیرند. آگاهی از مبارزات زنان مصری در حوزه‌ی جنبش زنان، می‌تواند مصلحت‌آمیز و استوارتر می‌سازد. بنابراین پژوهش در این حوزه، ارزشی دوچندان برای جامعه‌ی ایرانی و به ویژه زنان ایرانی پیدا می‌کند.

این پژوهش ثمره‌ی هشت سال کار در این حوزه، از سمت راقم این سطور می‌باشد. کاری که ابتدا با پایان‌نامه کارشناسی ارشد آغاز شد، اما این گام نخست به ندرت به عمق جدید از پژوهشی وسیع آشنا ساخت. در نتیجه، مطالعات ادامه داشت. با نگرارش رساله‌ی دکتری در حوزه‌ی جریان‌های فکری مصر، افق جدید و شناختی نوین از جایگاه جنبش زنان و مسأله‌ی حقوق اجتماعی ایشان در جهان فکری مصر، در پیش چشم راقم این سطور گشوده شد. این فرصت‌ها، ایده‌ی نگاشتن کتابی در حوزه‌ی تاریخ جنبش زنان در مصر، را جدی کرد. ثمره‌ی این فکر، پژوهش پیش‌رو است.

البته حقیقت امر این است، که این کار با کمترین امکانات به پایان رسید. متأسفانه در تمام این دوران و به ویژه در زمانی که تصمیم بر انجام این کار قطعی شد، امکان سفر به

کشورهای عربی به واسطه‌ی آشوب‌ها و مشکلات این کشورها، بسیار سخت گردید. در نتیجه بایستی تنها به امکانات محدود داخلی بسنده می‌شد. اینترنتی کم سرعت، و فیلتر شده که در بسیاری از مواقع امکان دسترسی را اندک می‌کرد. کتابخانه‌های ضعیف و ناکارآمد، در حوزه تاریخ اسلام معاصر، همه و همه باعث شد، که این کار با حداقل امکانات نگاشته شود؛ تنها به این امید که روزی امکان دسترسی به منابع بیرون از ایران، به ویژه دسترسی به کتابخانه‌های مصری، فرصتی دیگر برای پژوهش ژرف‌تر را فراهم آورد.

در این مسیر اساتید زیادی نگارنده‌ی این سطور را یاری کردند. دکتر غلامرضا وطن‌دوست ایده‌ی ورود به این حوزه را مطرح ساختند. در آن روزهای نخست کار، حتی از کتابخانه‌ها خارج از کشور کتاب‌های بالارزشی را فراهم آوردند، همین کتاب‌ها امید عملی شدن این پژوهش را فراهم آوردند. اما حیف که سفر ایشان به خارج از کشور، این فرصت گرانبها را از ایشان صلب کرد و این اجبار را پیش آورد که باقی راه، به تنهایی طی شود. البته اساتید غرام عزیزم، به ویژه جناب آقای دکتر حمید احمدی، جناب آقای دکتر حسن حضرتی و جناب آقای دکتر رسول جعفریان، در حوزه بررسی اندیشه‌های سیاسی، این دانشجوی کوچک را یاری فراوان کردند و در همین‌جا از ایشان سپاسگزاری می‌کنم. به واسطه‌ی همین یاری‌ها راهی که در ابتدا بسیار سخت می‌نمود آسان شد و امکان یافت.

در اینجا لازم است از همسر عزیزم، محمدرضا دانیان، و پسرم کیومهر، نهایت تشکر و سپاس را داشته باشم. عزیزانی که همیشه و در تمام راه، همسو و همراه بودند. اگر یاری و صبر ایشان نبود، هرگز نمی‌توانستم این راه دشوار را طی کنم و به نتیجه‌ی مطلوب برسانم. در تمام مسیر زندگی، از یاری خدای مهربانم همیشه برخوردار بوده‌ام. تاج بندگی بر سرم نهاد و فرصتم داد تا بتوانم در راهی که به آن عشق می‌وردم فایده‌ی هر چند ناچیز بردارم. اینکه در آخر از رب و سرپرست خویش تشکر می‌کنم، تنها به این دلیل است که هر یاری از هرجا که به من رسید، به یمن مهربانی بی‌نهایت او بود. خدای مهربانم تو را سپاس می‌گویم و از درگاهت امید دارم که تا ابد در پناهت در صراط مستقیم قدم بردارم. امید است که با یاری حق بتوانم قدمی مثبت برای جامعه‌ی زنان کشورم بردارم.

مقدمه

تاریخ جنبش زنان در مصر و دیگر کشورهای دنیا، جزو تاریخ معاصر محسوب می‌شود و به همین چند قرن اخیر برمی‌گردد. این تاریخ در کشورهای خاورمیانه، عمری بسیار کوتاه‌تر دارد و گاهی، بقدر نزدیک به نظر می‌آید که ممکن است، کسی بررسی این جنبش‌ها را از حوزه‌ی تاریخ بیرون بداند. آن چه این نوع پژوهش را ضروری می‌نماید، راهی است که اکنون در فراوی زنان مشاهده می‌شود. این حقیقت که هنوز زنان ما با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند، با جامع‌های ایده‌آل فاصله‌ی زیادی دارند. هنوز در کشورهایی مانند عربستان از کوچک‌ترین و پیش‌رفته‌ترین حقوق خود، محروم هستند. هنوز شاهد ضرب و شتم و هتک حرمت زنان در محلی‌های عمومی، خاورمیانه هستیم. حقوق زنان در بسیاری از مواقع، تنها به صورتی ظاهری پذیرفته شده است. هنوز درک جامعه نسبت به شأن انسانی زن، دچار کاستی‌های فراوانی است. زن برای آرزویش در کشورهایی مانند پاکستان، بایستی جان خویش را فدا کند و خلاصه هنوز مشکلات زنان در خاورمیانه، فراوان هستند و جنگ و تبعات آن، این معضله‌ها را هزاران برابر می‌کند. بنابراین پژوهش در این حوزه، به واقع ارزشمند است و می‌تواند گره‌گشای مسائل و مشکلات امروز زنان باشد. این پژوهش، گامی است ابتدایی در این حوزه، و راه درازی در پیش دارد.

نخستین آشنایی جامعه‌ی مصر با تمدن نوپای اروپایی به قرن هجدهم بازمی‌گردد. از پس این نخستین آشنایی، این سؤال برای صاحبان اندیشه پیش آمد، که چگونه اروپا به چنین پیشرفتی دست یافته است؟ در حالی که شرق، این‌گونه در تاریکی و اضمحلال فرو رفته است؟ حال آنکه دیرزمانی نیست، که شرق در اوج بود و اروپا در تاریکی جهالت گم شده بود. این سؤال و کوشش برای یافتن جواب آن، شروعی برای تلاش در جهت شناخت این تمدن جدید شد. نخستین ثمرات این شناخت، در مصر، راهکارهایی برای تغییر وضعیت زنان نیز به همراه داشت. روشنفکری همچون طه‌ططاوی، برای نخستین بار،

مطالبه‌ی تحول آموزشی کشور را بر روی میز دولت‌مردان مصر گذاشت. و در بسته‌ی پیشنهادی او، تقاضا برای آموزش دختران مصری نیز مطرح شد. این گام نخستین بود که توسط دیگر اندیشمندان مصری پی گرفته شد و مؤثر نیز واقع گشت. بانوان تحصیل‌کرده‌ی حاصل این تطورات، رهبری جنبش زنان مصر را بر عهده گرفتند. زن مصری فرصت یافت تا جهان پیرامون خویش را بیرون از دیوارهای بلند خانه، تجربه نماید. در نتیجه، زیست جهان وی، وسعتی هزاران برابر به خود گرفت.

مبارزات، ابتدا در حوزه‌ی اندیشه راه خویش را آغاز کرد و سپس در صحنه‌ی اجتماع و سیاست ادامه یافت. حاصل پژوهش پیش‌رو، بررسی سیر این تحول و تطور است که در چهار بخش تسیم شده است. پژوهش صورت توصیفی دارد و در این چهار بخش زایش و پویای جنبش زنان مصر تنها توصیف می‌شود. صورت تحلیلی آن، در حد تحلیل متون تولید شده در این حوزه خلاصه می‌شود.

کار پژوهش با استخراج متون تولید شده در حوزه‌ی حقوق اجتماعی ایشان، آغاز می‌گردد. این آغاز در حقیقت نخستین گام جدی است که برای تحول در وضعیت زن مصری برداشته شده است. گام بعدی، بررسی کنش اجتماعی و سیاسی جنبش زنان است که به صورت ایجاد سازمان‌های زنان، نمود را نشان می‌دهد. مبارزه‌ی فردی که در غالب تولید متن و در حوزه‌ی اندیشه آغاز شده بود، به صورتی سازمانی و نهادی پیدا می‌کند و به شکل مبارزه‌ی جمعی، راه خویش را ادامه می‌دهد. در نهایت کار، نتیجه‌ی این مبارزات در صحنه‌ی اجتماع مورد بررسی قرار می‌گیرد و با تحلیل متون و گفتمان‌های تولید شده در این حوزه، حاصل تطور اندیشه در این زمینه نیز، مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

پیش از ورود به متن اصلی کتاب، بایستی در مورد واژه‌ی «جنبش زنان» توضیح داده شود. برای ارائه‌ی تعریفی واضح از جنبش زنان، بایستی ابتدا جنبش‌های اجتماعی را شناخت. در همان مرحله‌ی نخست بررسی پیرامون جنبش اجتماعی، متوجه می‌شویم که نویسندگان و صاحب‌نظران مختلف، تعاریف و تعبیر متفاوتی از جنبش اجتماعی ارائه داده‌اند. در نتیجه پرداختن به همه‌ی آنها مجال دیگری را می‌طلبد. اما در اینجا سعی شده مواردی از این تعاریف تا جایی که امکان دارد و لازم می‌نماید، ارائه شود. آنتونی گیدنز^۱ در تعریف جنبش اجتماعی چنین می‌گوید:

جنبش اجتماعی را می‌توان کوشش جمعی برای پیشبرد منافع مشترک، یا تأمین هدف مشترک، از طریق عمل جمعی [گروهی] خارج از حوزه‌ی نهادهای رسمی تعریف کرد. از آنجا که میان انواع گوناگون جنبش تفاوت وجود دارد، این تعریف باید کلی باشد. بسیاری از جنبش‌های اجتماعی، خیلی کوچک هستند و شاید تعداد اعضای آنها بیش از چند نفر نباشد. جنبش‌های دیگری ممکن است هزاران یا حتی میلیون‌ها نفر را دربر گیرند. بعضی از جنبش‌ها در چارچوب قوانین اجتماعی فعالیت می‌کنند. بدیهی است اغلب در نتیجه‌ی عمل جنبش‌های اجتماعی قوانین تا اندازه‌ای یا کاملاً تغییر می‌کنند.^۱

طبق تعریف گذر حتی حرکت‌هایی کوچک و با جمعیت کم نیز می‌تواند جنبش محسوب شود. تنها باید شرایط عمل جمعی، منافع مشترک و هدف مشترک را داشته باشد و گروهی خارج از حوزه‌ی نهادهای رسمی باشد. اما این تعریف به نظر کامل نیست. چون بررسی جنبش‌ها به شرح تفصیل برای بهبود و یا تغییر وضعیت موجود اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و یا سیاسی را تسهیل می‌دهد. در جامعه، گروه‌های زیادی را می‌توان مثال زد که به هدفی مشترک و خارج از نهادهای رسمی شکل می‌گیرند، اما جنبش محسوب نمی‌شوند. درخواست تغییر در وضعیت موجود یک شاخصه برای جنبش‌هایی است که گیدنز آن را نادیده می‌گیرد.

بلومر،^۲ یکی از صاحب نظران این حوزه، در مورد جنبش اجتماعی آورده است که: جنبش‌های اجتماعی را می‌توان به عنوان اقدامات گروهی در جهت ایجاد نظم جدیدی از زندگی در نظر گرفت. شروع این جنبش‌ها در یک شرایط آشوب و ناآرامی اتفاق می‌افتد. جنبش‌های اجتماعی قدرت محرکه‌ی خویش را از احساس نا رضایتی از فرم رایج زندگی کسب می‌کنند و از سوی دیگر از خواسته‌ها و ارزش‌هایی برای ساختار جدید در زندگی.^۳

البته بسیاری از تحلیل‌گران جنبش‌های اجتماعی، نسبت به این عقیده که بین نا رضایتی و پیدایش جنبش اجتماعی ارتباط مستقیمی است، مشکوک هستند. زیرا این ارتباط، خود به خود جنبش‌های اجتماعی و احزاب سیاسی و فعالیت‌های ایشان را در یک تعریف می‌گنجاند و این موضوع به تعریف صحیح و روشن از جنبش اجتماعی لطمه می‌زند.

۱. آنتونی گیدنز (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی، تهران: نشر نی، ص ۶۷۸-۹.

2. Blommer

3. Nick Crossly (2002), *Making sense of social movements*, Buckingham, Philadelphia: open university press, p.3.

دایانی^۱ چهار نقطه‌ی مشترک در تعریف اندیشمندان مختلف یافته است که این چهار مورد را این‌گونه برمی‌شمارد:

۱. یک جنبش اجتماعی، شبکه‌ای از تعاملات غیررسمی و کنش‌های متقابل است.
۲. افراد فعال در یک جنبش اجتماعی، دارای عقاید مشترک و همبستگی و یکپارچگی هستند.
۳. افراد فعال در جنبش اجتماعی، دارای فعالیت‌های جمعی در موضوعات مورد نزاع هستند.

۴. عمده‌کردها به‌طور آشکار خارج از حوزه سازمانی و نهادی است. اما دایانی شکل غیرنهادی و «زماندهی نشده‌ی عملکردها را به عنوان یک ویژگی خاص در تعریف جنبش‌های اجتماعی» می‌داند. او در نهایت در تعریف جنبش‌های اجتماعی، جنبش‌های اجتماعی را به عنوان «شبکه‌ای از تعاملات و کنش‌های متقابل غیررسمی بین تعدادی از افراد، گروه‌ها یا سازماندهی می‌داند که وارد یک نزاع سیاسی یا فرهنگی می‌شوند و تنها بر اساس یک هویت جمعی مشترک شکل می‌گیرند»^۲.

گی‌روشه^۳ جنبش اجتماعی را «مارت از سازمانی کاملاً شکل یافته و مشخص تعریف می‌کند که به هدف دفاع و یا گسترش و دست‌یابی به هدف‌های خاصی، به گروه‌بندی و عضوگیری از اعضا می‌پردازند. آن‌چه که اصولاً جنبش اجتماعی را مشخص می‌کند در حقیقت مطالبه داشتن و مدعی بودن است. به همین منظور سعی در افزایش اعضا و کوشش در جهت جلب توجه عمومی دارند. هدف‌های جنبش‌های اجتماعی بسیارند و به عنوان نمونه، می‌توان از دگرگونی یا واژگونی نظم موجود گرفتار موضوع منع مشروبات الکلی، منع مجازات اعدام و یا شناسایی حقوق قانونی و سیاسی زنان، جزئی از این اهداف دانست. وسایلی که در جنبش‌های اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد متفاوت است و از تبلیغات ساده و تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی تا خشونت، را شامل می‌شود. اما فارغ از هدف‌ها و وسایل مورد استفاده، جنبش اجتماعی همیشه با یک اساس فکری جدید مشخص می‌گردد»^۴. بررسی جنبش‌ها نشان می‌دهد که شاخصه‌ی سازمانی کاملاً مشخص و شکل

1. Diani

2. Saa'id, Zahed (2001), *Protest: A kind of social movement?*, Journal of social sciences & Humanities of Shiraz university, p.37.

3. Guy Rocher

۴. گی‌روشه (۱۳۹۰)، *تغییرات اجتماعی*، تهران: نشر نی، ص ۱۲۹-۳۰.

گرفته، در تمام جنبش‌ها صدق نمی‌کند. برای نمونه جنبش زنان، که نمونه‌ای از آن در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته است، به هیچ وجه به صورت سازمانی کاملاً مشخص دیده نمی‌شود. فعالیت‌ها و مبارزات این حوزه با وجود داشتن اهدافی مشترک، شکلی هماهنگ ندارد. در بعضی موارد با تولید متن و ایجاد گفتمان جدید این هدف دنبال می‌شود و گاهی با ایجاد مدارس و جایی حتی با کمک به زنان بی‌سپرست و بدسپرست برای کسب استقلال مالی. اما برجسته‌ترین شاخصه‌ای که راقم این سطور در بررسی‌های تاریخی با آن بسیار روبرو شده، مطالبه داشتن است. این ویژگی که در تعریف گی روشه به آن تأکید شده، اهمیت سزایی در جنبش اجتماعی دارد.

از نظر آلن تورن^۱ جنبش‌های اجتماعی بر اصول سه‌گانه‌ای پی‌ریزی شده‌اند که در حقیقت دلیل موجودیت آنها است. کنش آنها را جهت داده و خصوصیت ویژه‌ای به شرح زیر به آنها می‌دهد:

۱. اصل هویت

یک جنبش بایستی دارای دو اصل باشد. نخست اینست که یک جنبش باید مشخص کند که از چه افرادی تشکیل شده است. سخنگوی چه افراد یا گروه‌های مردمی است. اعضای یک جنبش، در حقیقت برای تشخیص بخشیدن به خود را سخنگوی عده‌ای خاص معرفی می‌کنند. مانند زنان، کارگران و یا کودکان و غیره. البته ممکن است یک جنبش نماینده و سخنگوی کل جامعه باشد، مانند جنبش‌های ملی.

۲. اصل ضدیت یا مخالفت

جنبش اجتماعی همیشه در مقابل نوعی مانع یا نیروی متعارض قرار دارد و در نتیجه پیوسته سعی در درهم شکستن دشمن یا دشمنانی دارد و بدین ترتیب - بشر اجتماعی لزوماً دارای حریف است.

۳. اصل عمومیت

یک جنبش اجتماعی به نام ارزش‌هایی برتر، ایده‌هایی بزرگ، فلسفه و یا ایده‌ای مذهبی آغاز می‌گردد. کنش آن ملهم از تفکر و عقیده‌ای است که تا حد امکان سعی در گسترش و پیشرفت دارد. حتی در مواردی که جنبش معرف یا نماینده یا مدافع گروهی خاص است، به نام ارزش‌ها و حقایق جهانی که توسط انسان‌ها و یا به وسیله‌ی کل جامعه شناخته شده و مورد قبول قرار گرفته‌اند، ادعای خود را شروع می‌نماید. بدین ترتیب دلایلی که باعث کنش

یک جنبش اجتماعی می‌گردد، ممکن است به صورت منافع ملی، آزادی بشریت، رفاه و خوشبختی جمعی، حقوق انسانی، سلامت همگانی، خواست و فرمان الهی و غیره باشد. این خصوصیتی است که تورن آن را اصل عمومیت نام می‌نهد.^۱

در واکاوی تاریخی، تا پیش از سه قرن گذشته، هیچ جنبش اجتماعی دیده نمی‌شود. در قرن هجدهم و در اروپا و آمریکا، این مردم بودند که نخستین جنبش‌های اجتماعی را ایجاد کردند. در بررسی تاریخ جنبش‌ها می‌توان درک کرد که نخستین جنبش‌های ایجاد شد در نیمه‌ی اول قرن هجدهم دارای ویژگی‌های سه‌گانه زیر بودند:

۱. تلاش عمومی پایدار و سازمان‌یافته برای طرح ادعاهایی در مقابل مقامات حکومتی.
۲. به کارگیری ترکیب‌هایی از میان شکل‌های کنش سیاسی زیر: ایجاد انجمن‌ها و ائتلاف‌های دارای مقاصد خاص، میتینگ‌های عمومی، رژه‌های رسمی، شب‌زنده‌داری‌ها، راهپیمایی، تظاهرات، نامه درخواست، صدور بیانیه‌هایی به رسانه‌های جمعی و یا انتشار آنها در آن رسانه‌ها و چاپ بروشورها.
۳. نمایش هماهنگ و عمومی رسوی شرکت‌کنندگان در جنبش.^۲

بعضی صاحب‌نظران در تعریف جنبش‌های اجتماعی، سعی کرده‌اند جنبش‌ها را در گروه‌های مختلفی طبقه‌بندی کنند. این طبقه‌بندی کمک می‌کند تا تعداد بیشتری از جنبش‌های اجتماعی را در یک تعریف خاص گنجانند. به طور مثال آنتونی گیدنز، سعی کرده در راستای ارائه تعریفی از جنبش اجتماعی، آن را به - از نوع مختلف تقسیم‌بندی کند. گیدنز یک نوع جنبش اجتماعی را به عنوان، جنبش‌های «گوناگون‌ساز معرفی می‌کند و در تعریف این جنبش می‌گوید: هدف این جنبش دگرگونی (اگرچه در جامعه یا جوامعی است که خود بخشی از آن هستند. تغییراتی که اعضای این جنبش‌ها در پی آن هستند دگرگونی‌های سریع و عظیم، جامع و فراگیر و غالباً خشن است. در نتیجه، این جنبش‌ها را جنبش‌های انقلابی، یا بعضی جنبش‌های مذهبی رادیکال معرفی می‌کند. یکی دیگر از انواع جنبش‌های اجتماعی که گیدنز در تبیین آن می‌کوشد، جنبش‌های اصلاح‌طلبانه است. گیدنز معتقد است که این گونه جنبش‌ها هدف‌هایی محدودتر دارند و می‌خواهند تنها برخی از جنبه‌های نظم اجتماعی موجود را تغییر دهند. این جنبش‌ها به انواع ویژه‌ای از نابرابری یا

۱. گی روشه، ص ۱۳۰.

۲. چارلز تیلی (۱۳۸۹)، جنبش‌های اجتماعی، مترجم علی مرشدزاده، تهران: دانشگاه امام صادق، ص ۲۶-۷.

بی‌عدالتی در اجتماع توجه نشان می‌دهند.^۱

طبقه‌بندی دیگری در جنبش‌های اجتماعی، آنها را به جنبش‌های اجتماعی جدید و قدیم تقسیم‌بندی می‌کند و تفاوت‌هایی را برای هر یک از این دو نوع جنبش در نظر می‌گیرد. جنبش‌های جدید، جنبش‌هایی مانند جنبش‌های دانشجویی، جنبش‌های حقوقی - مدنی، جنبش زنان، جنبش محیط‌زیست، جنبش صلح... است و جنبش‌های قدیمی مانند جنبش‌های کارگری هستند. حقیقت این است که در هر دو گروه در حقیقت جنبش اجتماعی حاصل جامعه نوین است. جنبش‌های جدید ویژگی‌هایی دارند که آنها را از جنبش‌های پیشین متمایز می‌سازد. اما آلن اسکات^۲ تفاوت‌های بین جنبش‌های جدید و قدیم را در چهار مورد می‌داند، که اولین مورد آن جایگاه اتفاق افتادن این جنبش‌ها است. او معتقد است که جنبش‌های اجتماعی جدید، در داخل اجتماع رخ می‌دهد. در صورتی که خاستگاه جنبش‌های قدیمی به‌طور فزاینده‌ای در سیاست قرار داشته است. دومین تمایز، در اهداف این جنبش‌ها خود را نشان می‌دهد. در حالی که جنبش‌های قدیمی عمدتاً اهداف سیاسی یا حقوق اقتصادی داشته‌اند جنبش‌های اجتماعی جدید بیشتر در پی ایجاد تغییرات در ارزش‌ها و شیوه زندگی،^۳ یا در سبک‌های زندگی از جامعه مدنی هستند. اما سومین مورد، تفاوت در سازمان‌دهی موجود در این جنبش‌ها است. جنبش‌های پیشین دارای سازمان‌دهی رسمی بودند که دارای سلسله مراتب بود. در حالی که جنبش‌های نوین، بیشتر از شبکه‌ها و حتی مردم عامه و توده مردم، بدون هیچ سازمان‌دهی خاصی تشکیل شده‌اند. تفاوت چهارم در این جنبش‌ها وسیله عمل است. در جنبش‌های پیشین به وسیله سیاسی وسیله عمل محسوب می‌شده است، در حالی که در جنبش‌های جدید نوآوری فرهنگی و عمل شخصی افراد ابزار کار است.^۴

جنبش‌های جدید، از این جهت نوین محسوب می‌شوند که نتیجه به‌کار در متن یک صورت‌بندی جدید اجتماعی هستند. به عبارت دیگر آنها جدید تلقی می‌شوند، چون که یک نمونه و نمایی از روابط اجتماعی و سیاسی جدید هستند. آلن تورن معتقد است که جنبش‌های اجتماعی جدید، نشانه‌ها و قاصدان تغییر از جامعه صنعتی به فراصنعتی هستند. همچنین، هابرماس نیز جنبش‌های جدید را فهمیده شده در متن تاریخ طولانی بهینه‌سازی

۱. آنتونی گیدنز، ص ۱۸۰.

2. Alan Scott

3. Life style

4. Alan Scott (1990), *Ideology and the new social movements*, London: Unwin Hyman, p.19.

در جوامع غربی معرفی می‌کند.^۱

با بررسی این تعاریف که در پیرامون جنبش اجتماعی ارائه گردید، می‌توان گفت که هر حرکت جمعی خودآگاه که در صدد ایجاد نظم جدیدی در جامعه باشد و هدف و خواست جدیدی را مطرح سازد و در راستای رسیدن به هدف خود تلاشی جمعی را آغاز کند، یک جنبش اجتماعی به شمار می‌آید. جنبش اجتماعی در حقیقت تلاش در سازمان‌دهی خود دارد. سعی می‌کند در جامعه عمومیت یابد و افراد بیشتری را به خود جذب کند. مطالبات خاصی را دنبال می‌کند. حاصل جامعه‌ی نوین است و معمولاً به دنبال ایجاد نظامی جدید در جامعه می‌باشد یا تبعات جامعه مدرن را به چالش می‌کشد.

بنابراین تعریف از جنبش اجتماعی، جنبش زنان، جنبشی است که به هدف دست‌یابی زنان به حقوق مدنی و سیاسی خویش، شکل گرفته است. این جنبش سعی در جذب زنان و حتی مردانی دارد که به حقوق مدنی و سیاسی برابر با مردان معتقد هستند. جنبش زنان سعی دارد با ایجاد انجمن، تلاش برای ورود به سیاست، انتشار بیانیه، تشکیل تظاهرات، میتینگ و حتی ورود به سرور خویه، جامعه پدرسالار را دچار تغییر و تحول نماید و در مقابل نابرابری‌های اجتماعی ایستادگی نماید. این جنبش تنها به جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و یا سیاسی نمی‌پردازد و گاهی به صورت خاص بر جنبه‌های جنسیتی تأکید می‌کند. جنبش‌های زنان در سطح محافظه‌کارانه و حتی در سطح اصلاح‌طلبانه، تنها بر موضوعات عمده‌ی مرتبط با موقعیت و جایگاه افراد، است زنان در جامعه تمرکز دارند. محافظه‌کاران تنها تلاش دارند وضعیت موجود را صورتی متلاطم بخشد و اصلاح‌طلبان جامعه، سعی می‌کنند در گفتمان خویش هرگز از عقیده‌ی مهم مجدداً فراتر نروند.^۲ در حالی که جنسیت هرگز به صورت محض در زندگی هویدا نمی‌شود. در تمام سطوح زندگی خود را نشان می‌دهد، در تأهل، تکفل، طبقه، اشتغال و هزاران مورد اجتماعی دیگر. در فرهنگی که امر واقع از ثنویت جنسیتی برخوردار است، شخص نمی‌تواند به سادگی انسان باشد. حتی زبان و تاریخ اندیشه در صورت‌بندی همین اجتماع شکل گرفته است و تحت تأثیر نابرابری جنسیتی قرار دارد. در نتیجه نمی‌توان از این فضای اقتدارآمیز به راحتی رهایی یافت. حتی تعریف انسان بر حسب مقولات معطوف به هویت اجتماعی که در حوزه‌های

1. Ibid.p.15.

۲. هشام شرابی (۱۳۸۵)، پدرسالاری جدید: نظریه‌ای درباره تغییرات تحریف شده در جامعه عرب، ترجمه

احمد موثق، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۸۶۷.

نهادهای علمی تقویت می‌شود، از مکانات تاریخی و دیدگاه فرهنگی مردسالار سیراب می‌شود.^۱ بنابراین علاوه بر مواردی که در مورد جنبش اجتماعی آورده شده و به عنوان شاخصه‌ی آن معرفی گشت، بایستی به مسائل فرهنگی نیز توجه شود. یکی از این ویژگی‌های خاص گفتمان است. گفتمان به عنوان پدیده‌ای که فرهنگ یک جامعه را هویدا می‌سازد، بایستی در جریان پژوهشی تاریخی مورد توجه و تأکید قرار گیرد تا جوانب مختلف جنبش زنان، خود را نمایان کند. حقیقت آن است که بخشی از ابزار مبارزاتی این جنبش، در زبان نمود پیدا می‌کند. تحلیل گفتمان انتقادی، زبان را به عنوان یک عمل اجتماعی می‌بیند و زمینه‌ی استفاده از زبان را بسیار تعیین‌کننده می‌پندارد. گفتمان پدیده‌ای عملی، اجتماعی و فرهنگی است.^۲ گفتمان عمدتاً فعالیت نیت‌مند، کنترل شده و هدف‌دار انسان است. بنابراین، در هر عمل اجتماعی و هدف‌مند انسان، تحت تأثیر مسائلی است که یک جامعه را تحت کنترل خود دارد.^۳ بنابراین نابرابری‌های جنسیتی در آن نمود پیدا می‌کند. در نتیجه در این پژوهش، گفتمان تولید شده در مصر قرن بیستم و در حوزه‌ی حقوق اجتماعی - سیاسی زنان، مورد اهمیت قرار گرفته است و به عنوان بخشی مهم از ابزار مبارزاتی در جنبش زنان، در نظر گرفته شده است. گفتمان چیزی است که در جامعه تولید می‌شود. عمل گفتمانی به دو شیوه می‌تواند در خلاقانه در بازتولید جامعه شریک می‌شود. در مسائلی مانند هویت اجتماعی، رابطه اجتماعی، سیستم‌های دانش و عقاید و همین‌طور از طریق ایجاد تغییر در جامعه همکاری دارد.^۴ بنابراین از شکل‌های مهم عمل اجتماعی به حساب می‌آیند. بنابراین زبان کار اجتماعی و ابزار رزیکتی در تولید، بازتولید و انتقال ساختارها، روابط و هویت‌های اجتماعی عمل انجام می‌دهد. تحلیل متنی می‌تواند شاخص‌های کاملاً مناسبی برای تغییرات اجتماعی به دست دهد.

۱. عباس محمدی اصل (۱۳۸۶)، جنسیت و دیدگاه‌های نئوفمینیستی، تهران: علم، ص ۵۰.
۲. تنون ای. ون دایک (۱۳۸۴)، مطالعاتی در تحلیل گفتمان از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی، مترجمان: پیروز ایزدی... [و دیگران]، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه، ص ۸۰.
۳. همان، ص ۹۱.
۴. همان، ص ۸۱۷.
۵. فردوس آقاگل‌زاده (۱۳۸۵)، تحلیل گفتمان انتقادی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۱۲۹.
۶. نوومن فرکلاف (۱۳۸۷)، تحلیل انتقادی گفتمان، مترجمان فاطمه شایسته پیران... [و دیگران]، ویراستاران محمد نبوی، مهران مهاجر، چاپ دوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، ص ۱۵۴.